

تعدادی از کارگران شرکت کوکاکولا
نخستین ساکنان شهرکی به همین نام بودند

شروع آبادی «تربت» با ۱۹ خانه

۵۴



عکس: نازجس شاکری/شهرآرا

زهراربانی، از اولین ساکنان الهیه می‌گوید که رفتار دوستانه
همسایه‌ها نقطه امید محله‌های خلوت و خاکی بود

ساده و صمیمی در محله

۶



درخواست اهالی اقدسیه ۳، برای پیاده‌روسازی
این معبر، به ویژه در اطراف مدارس
سنگ‌فرش نه، حداقل آسفالت کنید

۳

زمین ورزشی روباز برکت
در تمام طول سال با حضور ورزشکاران فعال است
شور نونهالی در رقابت فوتبالی

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

یکشنبه های مهر در «کرانه حضور»

طرح «یکشنبه های مهر» از این هفته در مؤسسه کرانه حضور آغاز شد تا پلی میان اقشار جامعه باشد. برای انتقال زندگی بهتر. این طرح با هدف حمایت از خانواده های نیازمند و اقشار محروم جامعه اجرا می شود. در یکشنبه های مهر، اعضای کرانه حضور و شهروندان، وسایل بدون استفاده اما سالم و کاربردی خود را به مجموعه می آورند تا پس از تمیزکاری، نوسازی و بسته بندی به افراد نیازمند تقدیم شود. در اولین روز اجرای این طرح بیش از هفتاد شهروند همکاری کردند تا با بخشش وسایل انبار شده، برکت را به زندگی خود بیاورند.



دورهمی قرآنی نوجوانان محله دانشجو

بهشتی نوجوانان علاقه مند به قرآن و موضوعات دینی، از هفته گذشته در جلسات قرآنی مسجد امیرالمؤمنین (ع) محله دانشجو حاضر شدند. این برنامه فرهنگی، هفتمین دوره ای است که اجرا می شود تا نسل های جدید هم از ظرفیت های مسجد محله استفاده کنند. هدف از برگزاری این برنامه، ایجاد پیوند قلبی و ذهنی نوجوانان با آموزه های قرآنی و دینی است و اهالی مسجد و هیئت امنای این اقدام شده اند. اتفاق جالب این نشست ها که روزهای شنبه برگزار می شود، حضور جوانانی است که در دوره های قبلی آموزش دیده اند و حالا برای راهنمایی نوجوانان در کنار آن ها هستند.

رقابت نت بال در سالن مادر و کودک

مشهد و منطقه ۱۱ میزبان یکی از گروه های اولین دوره مسابقات نت بال بانوان سطح کشور شد و هیجان و رقابت را به سالن ورزشی مادر و کودک آورد. در این رقابت ها چهار تیم از استان های خراسان و تهران با هم رقابت کردند تا سهمیه حضور در مرحله بعدی را کسب کنند. این مسابقات در روز به همت کمیته نت بال استان خراسان رضوی و با همکاری مربیان و باشگاه های فعال استانی برگزار شد و در نهایت دو نماینده استان خراسان رضوی به مراحل بالاتر صعود کردند. نت بال رشته ای ورزشی شبیه بسکتبال است که بازیکنان دو تیم بر سرانداختن توپ به داخل یک سبد با هم رقابت دارند.



سفر به دنیای انیمیشن در مسجد محله آزادشهر

باتدبیر اهالی مسجد امام حسن مجتبی (ع) محله آزادشهر و با همکاری اعضای مجموعه تربیتی رشد، بچه های محله پای انیمیشن های جذاب می نشینند. این برنامه روزهای پنجشنبه در مسجد برگزار می شود و هدف از اجرای آن، افزایش سواد دانش بچه ها درباره فضای فیلم و رسانه است. در پایان پخش هر انیمیشن، محتوای آن برای بچه ها تشریح می شود و حاضران درباره فیلم با هم صحبت می کنند.



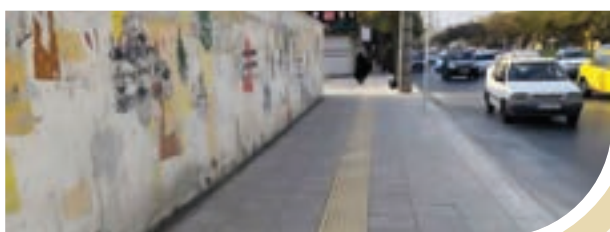
بازخورد

همت شهرداری منطقه ۱۱ و پیگیری شهرآرامش
یک اتفاق عمرانی خوب را برای منطقه به همراه داشت

پیاده رو سیدرضی سامان یافت

بهشتی پیگیری رسانه ای شهرآرامش در کانال شهرآرامش ۱۱ و ۱۲ در چند ماه اخیر، سبب شد احداث پیاده رو بولوار سیدرضی جزو اولویت های عمرانی قرار بگیرد.

به این ترتیب و با همکاری اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱، این پروژه عمرانی از سه ماه قبل و در ضلع شرقی حدفاصل بولوار وکیل آباد تا بولوار فرهنگ آغاز شد که رضایت ساکنان و کسبه را به دنبال داشت. رضا حسینی کیا، از کسبه محله، می گوید: این پیاده رو در ساعات ابتدای شب بسیار پررفت و آمد است. قبلاً آسفالت بود و بعضی جاها حتی خاکی بود و کلی چاله داشت ولی الان شکل استاندارد پیدا کرده است. هم زیبا و آبرومند شده و هم مشکل گرد و خاک آن برطرف شده است.



سنجش سلامت شهروندان در «ترافیک»

فرهنگ سرای ترافیک در هفته ای که گذشت، میزبان شهروندان بود تا میزان آمادگی جسمانی خود را در پایگاه سلامت شهروندی بسنجند. در این پایگاه خدمات ارزیابی ترکیبات بدن (بافت عضلانی و چربی) و بررسی ساختار قامتی به ویژه ستون فقرات، به شهروندان ارائه شد. در این مدت بیش از هزار شهروند از خدمات پایگاه بهره مند شدند.

تکمیل پازل معبر شهید فخرایی

پس از دود ده پیگیری مدیریت شهری برای تملک اراضی معارض بولوار شهید فخرایی، آخرین تکه های این پازل در حال تکمیل شدن است. با جدیت اقدام شهرداری منطقه ۱۱، دو قطعه اراضی تملک شد تا ضلع غربی بولوار شهید فخرایی در آستانه تکمیل شدن قرار گیرد. در حال حاضر آسفالت و جدول گذاری مسیر به مراحل پایانی رسیده است.

ایمن سازی زمین بازی «مادر و کودک»

به همت نیروهای فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱، زمین بازی کودکان در بوستان مادر و کودک ایمن سازی شد. با این اقدام، میله ها و بلوک ها که امکان برخورد کودکان با آن ها وجود داشت، جمع شد و محوطه با کف پوش پوشیده شد. ایمن سازی زمین بازی با توجه به درخواست شهروندان و در راستای پیشگیری از حادثه برای کودکان انجام گرفت.



شهر خبر

۱۱

●● گردوخاک مضاعف برای دانش آموزان

فاطمه نجفی، یکی از معلمان مدارس این معبر، می گوید: اینجایی محدوده نوساز شهری است و به نظرم همه باهم باید تلاش کنیم که محله آباد شود. با شناختی که من از شرایط آموزش و پرورش و اداره کل نوسازی و تجهیز مدارس دارم، تا همین جا هم کار بزرگی انجام داده اند که این مدارس را ساخته اند.

این بانو که نگران تردد دانش آموزانش است، ادامه می دهد: حالا که این اتفاق خوب عمرانی رخ داده است، من از شهرداری می خواهم به خاطر بچه ها که واقعا در این شرایط اذیت می شوند، این مسیر را آسفالت کنند. هوای شهر ما نصف سال پر از گردوخاک است، رفت و آمد گروهی دانش آموزان باعث می شود در این نقطه هم گردوخاک بخورند و این برای سلامتی آن ها به ویژه در آینده بسیار ضرر دارد و خطرناک است.

●● به خاطر دانش آموزان آسفالت می کنیم

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ ضمن تأیید وجود مشکلاتی در مسیر تردد شهروندان به ویژه دانش آموزان در اقدسیه ۳ می گوید: در بسیاری از معابر شهری، شرایط مشابهی داریم اما در این نقطه با توجه به اینکه اکثر رانندگان دانش آموز هستند، باید اقدام اساسی انجام دهیم.

یاسر ابراهیمی مقدم ادامه می دهد: طبق قوانین و برنامه ریزی مجموعه مدیریت شهری، پیاده روستازی معابر فرعی برای شهرداری تکلیف نشده است و در پایان هر سال، مادرخواست بودجه و طرح را فقط برای پیاده روستاهای بولوارهای اصلی ارائه می کنیم.

او می افزاید: پیاده روستازی معابر فرعی معمولاً از سوی خود شهروندان و سازندگان بنا انجام می گیرد اما در باره فضای اطراف مدرسه در این محدوده، ما سعی می کنیم با آسفالت کردن، تردد شهروندان به ویژه دانش آموزان را تسهیل کنیم.

ابراهیمی مقدم در ادامه می گوید: آسفالت کردن این مسیر احتمالاً در سال جاری اجرایی نمی شود و برای طرح ها و برنامه مالی سال آینده به این موضوع توجه می کنیم تا در این زمان مسیر با آسفالت سامان دهی شود.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ که در دو هفته اخیر مسئول این حوزه شده است، بیان می کند: در یک هفته آینده به صورت حضوری مشکل مدنظر را بررسی خواهیم کرد تا درباره اولویت بندی و زمان دقیق ارائه خدمات به اهالی این محله تصمیم گیری شود.



●● گردوخاک و گل پیش پای عابران

هر جای اقدسیه ۳ که خانه و ساختمان مسکونی ساخته شده، پیاده روستا هم تکمیل شده، اما مقابل مدرسه، دارالقرآن و مسجد، پیاده روستا خاکی است. این پیاده روستا محل تردد عابران پیاده در طول شبانه روز است. مهناز فخار که از ساکنان این خیابان است، می گوید: وضعیت این پیاده روستا در شأن محله ما نیست. توقع داریم به این شرایط رسیدگی شود. ما نمی خواهیم مسیر را برای ماسنگ فرش کنند؛ حداقل آن را آسفالت کنند تا از این وضعیت خاکی درآید.

یکی از اولیای دانش آموزان مدارس این مسیر، این طور شرایط را توصیف می کند: اکثر دانش آموزان این مدارس ساکن همین محدوده هستند. سرویسی ندارند که در مدرسه سوار ماشین شوند؛ پس از همین پیاده روستا خاکی رفت و آمد می کنند و ما مجبوریم که یک روز در میان لباس بچه ها را بشوئیم از بس که پر خاک است.

مریم قوی ادامه می دهد: درست است که تا الان برف و باران نیامده است اما مادر سال های گذشته دیده ایم به محض اینکه اینجایان بباران بیاید، بچه ها با لباس و کفش های گلی رفت و آمد می کنند که هم برای مادران زحمت درست می کند و هم مدرسه که باید حیاط و کلاس را تمیز کنند.

درخواست اهالی اقدسیه ۳

برای پیاده روستازی این معبر، به ویژه در اطراف مدارس

سنگ فرش نه حداقل آسفالت کنید

زهرآزنگنه امسیر خیابان صاف و هموار است و ساختمان ها هم نوساز. فضاهای خدماتی از جمله مدرسه ها، دارالقرآن و پارک و مسجد نیز در همین سال های اخیر احداث شده اند. همه چیز مرتب است جز پیاده روستاهایی که به سایر ابعاد شهری خیابان اقدسیه ۳ شباهتی ندارند و کماکان خاکی هستند.

این پیاده روستا فضای دورتادور مدارس و دارالقرآن را احاطه کرده اند؛ مسیرهایی که بیشتر دانش آموزان در آن تردد می کنند و این موضوع، نگرانی اهالی را از وضعیت فعلی باعث شده است.

هم قدم

۱۲

رستم بارخش برمی گردد

مجسمه رستم و رخش، ساخته فریدین اسفندیاری از ابتدای بولوار شاهنامه جمع شد. جمع آوری این مجسمه از سوی سازمان عمران شهرداری مشهد و باتوجه به اجرای پروژه چپ گرد غیر همسطح بولوار شاهنامه در این محدوده انجام گرفته است. پس از تکمیل پروژه، مجسمه رستم و رخش در همین محدوده جانمایی و مجدداً نصب خواهد شد.

کوچه شهید نکویی ۷ دیگر خاکی نیست

با فعالیت ماشین آلات آسفالت در بولوار شاهنامه، کوچه شهید نکویی ۷ از وضعیت خاکی درآمد. پس از جدول گذاری و تسطیح کوچه، این مسیر در هفته گذشته به همت نیروهای اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ آسفالت شد. کوچه شهید نکویی ۷، یکی از معابر فرعی خیابان شاهنامه ۵۱ است که مساحت آسفالت شده آن حدود ۱۴۰ متر مربع است.

دانش آموزان منطقه ۱۲ در کلاس ایمنی

به همت جمعیت دوام ثامن منطقه ۱۲، کلاس های آموزش اقدامات ایمنی در برابر حوادث، برای دانش آموزان منطقه برگزار شد. در این برنامه، بیش از چهارصد نفر از دانش آموزان در کارگاه های آموزشی و تمرین های عملی شرکت کردند. آموزش ها شامل راه های حفظ ایمنی در برابر زلزله و آتش سوزی و نحوه صحیح خروج اضطراری از کلاس ها بود.

شهر خبر

۱۲

گذر پاییزی باغ آرامگاه فردوسی، منظر زیبایی ایجاد کرده است

فرش برگ ها پیش پای گردشگران

بهشتی این روزها در باغ آرامگاه فردوسی علاوه بر صدای فواره آب، آواز خواندن پرندگان و نوای موسیقی یا نقالی، می توان صدای خش خش برگ ها را زیر پای گردشگران شنید.

گذر پاییزی باغ آرامگاه فردوسی هم منظر زیبایی را پیش روی بازدیدکنندگان ایجاد کرده است و هم حس خوبی به آن ها منتقل می کند.

هما فیروزی که از شهرستان فلاورجان مهمان شهر ماست، می گوید: به نظرم کار خیلی قشنگی است و به زیبایی های بیشتر آرامگاه کمک می کند. این کار نهایت ذوق مسئولان مجموعه را نشان می دهد و باعث می شود از ظرفیت ها استفاده مفیدی شود. برای ایجاد گذر پاییزی، تمام برگ های ریخته شده به یک ضلع باغ منتقل می شود و تا پایان فصل برگ ریزان این فضای پذیرای علاقه مندان است.



تعدادی از کارگران شرکت کوکاکولا، نخست

شروع آبادی «تو



فاطمه سیرجانی نام محلات قدیمی فقط یک «کلمه» نیست: می تواند دنیایی خاطره باشد. دنیایی خاطره مشترک تلخ و شیرین که با یادآوری و مرور آن ها، چشم ها برق می زند و لب ها به خنده باز می شود. خاطرات و اتفاقاتی که شاید بعضی شان در زمان خودش، تلخ بوده و دردآور، اما همدلی ها برای بازکردن گره مشکلات و گذر از آن روزهای سخت، آن ها را امروز به یک خاطره جمعی شیرین تبدیل کرده است که مرورش، لبخند را گوشه لب می نشاند.

ساکنان اولیه شهرک کوکا (کوکاکولا) از آن هایی هستند که با گذر چهار دهه و تغییر نام خیلی از کوچه ها و محلات شهر، هنوز نام «شهرک» برای خیلی هایشان، آشنا تر است تا محله شریف و تربیت: آن هایی که با گذر از فراز و فرودهای روزگار و کم و کاستی ها در محله مانده اند و امروز با نگاهی برای پشت سر، به دوام آوردن در برابر آن روزهای سخت به خود آفرین می گویند.



قرعه به نام بی خانه ها

پیدا کردن نخستین ساکنان شهرک کوکا کار چندان سختی نیست. مهین خانم را اهالی محله به نام «بی بی جان» می شناسند. همسرش، حسن آقا، کارگر کارخانه کوکاکولا بوده است. او خونگرم و خوش صحبت است و حافظه خوبی در مرور خاطرات آن سال ها دارد. مهین خانم تعریف می کند: اوایل دهه ۶۰ مدیران کارخانه کوکاکولا تصمیم گرفتند برای تعدادی از کارگران کارخانه که مستأجر بودند، قطعه زمینی بگیرند و برایشان خانه بسازند. اول صحبت از خرید قطعه زمینی بود نزدیک به جایی که الان پل شهید ستاری است اما بعد ها خبردار شدیم زمین را اینجا خریده اند؛ جایی که نزدیک زندان بود و هنوز هم هست.

در آن زمان و براساس قرعه کشی، نوزده نفر از کارگران خوش شانس برای واگذاری خانه انتخاب شدند و کارخانه از بانک رفاه کارگران برای هر کدام از آن ها ۱۰ هزار تومان وام گرفت تا این گونه صاحب خانه شوند.



مهین خانم در ادامه مرور خاطرات دیروزش از چاه هایی با دهانه باز می گوید که درست روبه روی خانه شان بود و کابوس مادران شهرک: «نزدیک خانه های مادر کال، چند دهانه چاه بود که ما به آن ها قنات می گفتیم. الان هم آثار آن چاه ها هست. موقع بارندگی آب باران به داخل آن چاه ها می ریخت. همین سبب شده بود که دهانه یکی از آن ها خیلی باز و دور برش ریخته شده باشد. همیشه یکی از نگرانی های ما مادرها، رفتن بچه ها به ویژه پسر بچه ها سمت این چاه ها و افتادنشان بود. یک روز سر کنجکاوی، تکه آجری را برداشتم و از دور به داخل چاه انداختم. صدای خوردن تکه آجر به ته چاه را شنیدیم، اما یک دفعه یک دسته صدتایی کفتر از ته چاه به هوا درآمد و برای یک لحظه بالای سرمان سیاه شد.

ماشینی که در آب ماند

به روایت کال که می رسم، حسن آقا از میان پر بودن راهی از وسط کال برای رفتن به شهرک اتوبوس رانی می گوید و جاده ای خاکی که به دلیل تردد زیاد خودروها به وجود آمده بود. او تعریف می کند: درست روبه روی آموزگار ۷۶ فعلی، یک میدان کوچک است که قدیم ماشین ها برای رفتن به محله قاسم آباد، از سمت آن که مسیر شیبی به کال و جاده خاکی داشت، استفاده می کردند. آن زمان نه بولوار آموزگار بود و نه بزرگراه امام علی^(ع). مردم خودشان از وسط کال روبه روی شهرک، راه میان بر درست کرده بودند. گاهی من و همکارانم، پیاده از دل همین کال برای خرید نان به شهرک اتوبوس رانی می رفتیم.

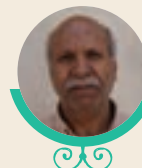
اواز ماجرای ماشین برادرش که او آخر دهه ۶۰ موقع شست و شو با شدت گرفتن جریان آب، به وسط رودخانه کشیده شد و گیر کرد، می گوید و در ادامه، ماجرای نیروهای آتش نشانی که برای کمک به محله آمدند را به یاد می آورد.

تعریف می کند: بهار، کال چهل بازه دریای آب می شد. آبش سرریز آب بند گلستان بود که معمولاً از فروردین تا اوایل اردیبهشت کال چهل بازه را پر آب می کرد. سر همین پرابی تا چشم کار می کرد، کال و دشت اطرافش سرسبز بود و پر از گل شقایق. سیزدهم فروردین روبه روی شهرک، مردم دسته دسته، زیرانداز پهن کرده بودند و بساط چای آتشی به راه بود. بعضی ها هم در همان بیابان، دیگ آش بار می گذاشتند و گاهی هم بین مردم پخش می کردند.



حتی پنجره ها شیشه نداشت

مهین خانم از قرعه کشی بین کارگران کارخانه می گوید و اینکه اگر یک نفر حتی یک خانه پنجاه متری به نامش سند خورده بود، اسمش در فهرست قرعه کشی آن زمین ها قرار نمی گرفت؛ «مرحوم برادر شوهرم در کارخانه برای خودش کسی بود و حرفش خیلی برو داشت. آدم کاری و کارراه اندازی بود، اما چون یک خانه هفتاد متری به نامش بود، در لیست قرار نگرفت».



حسن بوستانیان در ادامه صحبت های همسرش از بیابانی بودن دوروبر آن خانه ها می گوید و شنیده شدن صدای زوزه گری و روباه در دل شب های زمستان که ترس به دل زن و بچه اش می انداخت. او تعریف می کند: خانه را که تحویل گرفتیم، حتی شیشه پنجره هایش نصب نشده بود. نه آب داشتیم، نه برق و نه گاز. بخاری نفتی چکه ای دوباره به خانه هایمان برگشته بود و در هفته چند نوبت به دنبال کپسول گاز، پرکردن پیک نیک و تانکر نفت بودیم.

او تعریف می کند: آن زمان همه خانه های شهرک، دوپست متری بود یا دوازدهمتری یا ۱۰ و ۱۲ متری که یک خواب و دو خواب ساخته شده بود. اگر چه واحد ها قرعه کشی شد، بناهای دو خوابه بین آن هایی قرعه کشی شد که دو فرزند یا بیشتر داشتند و به قول امروزی ها عائله مند بودند. این راهم بگویم برای چند دستگاه خانه که شمالی بود، زیر زمین هم ساختند و مبلغ بیشتری از مالکان آن خانه ها گرفته شد.

قنات هایی که جای آب، کفتر داشت!

مهین خانم از کال روبه روی خانه شان می گوید که روزگاری محل تفریح و تفرج نه تنها شهرک نشین ها، که دیگر مردم شهر بود. او

تین ساکنان شهرکی به همین نام بودند

بیت» با ۱۹ خانه



همسایه های یکدل و یک سفره

خانواده زارع نخستین ساکن شهرک کوکا کولا بودند. راضیه خانم که به واسطه اشتغال همسرش، جواد آقادر کارخانه، صاحب این خانه شده بودند. تعریف می کند: خانواده ما اولین خانواده ای بود که به خانه های سازمانی شهرک کوکا کولا اسباب کشی کرد. آن زمان روبه رویمان هنوز خانه ای ساخته نشده بود و زمین وسیعی بود که می گفتند قبل از آن روز زمین کشاورزی بوده است. ما هر روز صبح طلوع خورشید را می دیدیم. کم کم بقیه شهرک نشین ها هم آمدند و دوروبرمان شلوغ شد.

اواز همسایه هایی می گوید که درست مثل خواهر و برادر بودند و هوای هم را داشتند؛ چون از فامیل و آشنا خیلی دور بودیم بیشتر ساعات شبانه روز را با همسایه های همی گذرانیدیم. ما خانم های بیشتر روز را با هم بودیم. یک روز همه جمع می شدیم خانه این همسایه را خانه تکانی می کردیم. چند روز بعد برنامه کمک در کارهای همسایه دیگر بود. از بسا طرب درست کردن آخر تابستان و ترشی و سالاد اول پاییز نگوییم که چه جمع خوبی بود. به ویژه که چند همسایه بودیم که مادرهایمان هم کنارمان بودند و حضور بزرگ ترهای خیلی دلگرم کننده بود. شب هم که می شد، قرار و مدار می گذاشتیم شام را در یک خانه باشیم.

روزی که آب در لوله خانه ها جریان پیدا کرد

راضیه خانم تعریف می کند: مردان ما همه آفتاب نزنه می زدند بیرون تا به سر کار بروند. نبود آب و برق، زندگی را برای ما خیلی سخت کرده بود. تا آنکه آب هم دیگر جواب این تعداد خانوار را نمی داد. بماند که یک روز از داخل تا آنکه چقدر گنجشک مرد و لنگه کفش و خس و خاشاک درآوردند! خدا رحمت کند مرحوم غدی زاده را! ایشان به همراه آقای جاهدی، یکی دیگر از همسایه ها، مدیریت و پیگیری کارهای شهرک را قبول کرده بودند.

او ادامه می دهد: خاطر من هست یک روز مرحوم غدی زاده یک وانت گرفت و شش هفت نفر از زنان همسایه را به سازمان آب در خیابان سنا برد. هر کدام ما یک بچه کوچک به بغل داشتیم و یکی همراهمان بود. رفتیم آن قدر نشستیم تا آقای مهندس که می گفتند همه کاره است، بیاید. وقتی مهندس آمد، از نبود آب لوله کشی و سختی روزگاری که به ما می گذشت، گفتیم. بعد چند روز ماشین آمد که چند مردکت و شلوازی از آن پیاده شدند. گفتند از شرکت آب هستند. کمتر از ده روز بعد، کارگرها آمدند به کندن زمین و خواباندن لوله های آب. به مردهایمان هم گفتند می توانند برای خرید انشعاب و کنتور اقدام کنند. بعد از مدتی هم شرکت برق آمد و تیرهای چراغ برق آورد شد. به این ترتیب روشنایی هم به خانه هایمان آمد.

شهرک عرب ها به جای هتل پارس

راضیه خانم از کم و کاستی های شهرک در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ می گوید و سختی هایی که تحمل کردند: «اینجا نه نانوايي داشت؛ نه مغازه خواربارفروشی. حتی دوروبر ما حمام نبود. نزدیک ترین آبادی به ما هتل پارس بود که آن زمان جنگ زده های دفاع مقدس ساکنش بودند. آنجا خودش شهری بود؛ پر جمعیت و شلوغ. همیشه موقع برگشت در مسیر خاکی و تپه مانند، کثیف و خاکی برمی گشتیم. برای همین بعد یکی دو بار تصمیم گرفتیم دیگر به آنجا نرویم. حتی نان را هم گفتیم مرد ها از شهر یا شهرک اتوبوس رانی تهیه کنند. گاهی هم برای خرید ما محتاج خود مازن ها را می شهر می شدیم.» به گفته او آن زمان یک خط اتوبوس بوده که مسیرش خیابان دانشگاه - فلاحي بوده است. تعریف می کند: ما ایستگاه نیروی هوایی پیاده می شدیم که الان چهارراه ستاری نام دارد. از آنجا باید پیاده برمی گشتیم و چون دست هایمان پر بود، یکی چادرش را پهن می کرد و ما محتاجی را که خریده بودیم، درون چادر می گذاشتیم. بعد چند نفره بلندش می کردیم تا جلو خانه ها. در همان فاصله هم باید حواسمان به سگ های دور و اطراف بود که اگر قصد حمله کردند، با چوبی که معمولاً همراه داشتیم، از خودمان دفاع کنیم.

تلاش شبانه برای کشف منبع آب



حدود چهار دهه از شکل گرفتن شهرک کوکا کولا می گذرد؛ شهرکی که وجه تسمیه اش را از سکونت کارگران کارخانه نوشابه کوکا کولا گرفته بود و با ساخت و سازهای دیگر اراگان ها و سازمان ها و شرکت ها مثل شرکت داروسازی رازی، پخش البرز، نیروی هوایی و... همچنان به نام سابقش کوکا کولا شناخته می شد. امروز از آن نوزده خانواده، کمتر از انگشتان دودست در محله مانده اند و از آن نوزده بنای یک طبقه با نمای سیمان سیاه، فقط یکی دو خانه همچنان پابرجاست و بقیه، جایشان را به آپارتمان های پنج شش طبقه داده اند. یکی از آن خانه ها خانه حاج رمضانعلی شریفیان است. او تعریف می کند: پی این خانه را خودم کردم. روزهای جمعه، آفتاب نزنه بیل و کلنگ را پشت دو چرخه می گذاشتم و از محله کوهسنگی به سرزمین می آمدم. کار سختی بود. اما ذوق خانه دار شدنمان زیاد بود و خستگی را نمی فهمیدم. او یکی از مشکلات بزرگ شهرک را در آن زمان، نداشتن آب عنوان می کند که برایش ماجراجویی ها کردند تا به آب برسند؛ حاج رمضانعلی

تعریف می کند: به گوشمان رسانده بودند شاه لوله ای زیر زمین است که سرریز منبع آب قاسم آباد است. با همکاری جمع شدیم و در همان محدوده هایی که گفته شده بود شاه لوله خوابیده است، شبانه زمین را کندیم. بعد سه متر کندن به شاه لوله رسیدیم. شب بعد، یک نفر خبره را خبر کردیم، طنابی دور کمرش بستیم و به ته گودال فرستادیم تا از آن شاه لوله، سه راهی برایمان بزند. بعد هم با لوله کشی و شلنگی بزرگ، آب را به سمت تا آنکه هدایت کردیم. به این ترتیب تا حدودی مشکل آب شهرک رفع شد.

پای ثابت شهرک

ماجرای خانه دار شدن اهالی شهرک کوکا کولا دورهمی های شبانه، کال چهل بازه و رود پر آب و مردم شاد که از دور و نزدیک به آنجا می آمدند... خاطرات خوشی است که هر وقت همکاران و همسایه های قدیمی شهرک کوکا کولا ی دیروز و محله تربیت امروز دور هم جمع می شوند، از آن ها به خوشی یاد می کنند.

حاج محمد پیوندی، یکی از قدیمی های محله، می گوید: این شهرک برای ما و خانواده هایمان مثل جزیره ای پرت و دور افتاده و دلمان به بودن هم خوش بود. دلمان گرم بود که در نبودمان، زن هایمان مثل کوه پشت هم هستند و هوای هم را دارند. این محله اگر آباد شد، به همت نخستین ساکنان محله، همان شهرک نشینان شهرک کوکا کولا بود. اگر آب و برق و امکاناتی به محله آمد، با دوندگی هایی بود که زن و مرد این شهرک به دنبالش رفتیم. ما برای آوردن آسفالت به کوچه های خاکی و تپه مانند و جوی و جدول کشی این محله دوندگی ها کردیم و خون دل ها خوردیم.

ساکن قدیمی محله از همکارانی می گوید که در روزهای سخت و بی امکانات، تاب ماندن نداشتند. گذاشتند و رفتند، اما همکارانش رمضان جاهدی، حسن بوستانی، رمضانعلی شریفیان، جواد زارع و صمد محمدی ماندند و ساختند تا امروز در پارکی خطی که درختانش از خودشان آب داده اند و گل هایش به دست خودشان کاشته شده است، بنشینند و از روز هایی که بر آن ها گذشته است، به خوشی یاد کنند و گپ بزنند.

زهراربانی، از اولین ساکنان الهیه می‌گوید که رفتار دوستانه همسایه‌ها نقطه امید محله‌های خلوت و خاکی بود

ساده و صمیمی در محله

۱۲



ایستگاه اول



در سال ۱۳۹۰ ابتدای اقدسیه بیابان بود، به طوری که ما نمی‌دانستیم آینده آن چه می‌شود. روزهایی که دنبال خانه می‌گشتیم، نقشه‌ای در یک بنگاه دیدیم و متوجه شدیم برای این محدوده، کلی کاربری خدماتی تعریف شده است و خانه را خریدیم. آن نقشه هم به طور کلی اجرا شد جز در مانگاه.

بهشتی‌ا در روزگاری که خبری از فضای مجازی به این شکل نبود، زهرخانم و همسرش در روزنامه هادنبال خرید زمین در شهر بودند که آپارتمان‌های نوساز اقدسیه چشمشان را گرفت و در چشم به هم زدنی از محله الهیه سرور آوردند. حالا چهارده سال از آن روزهای گذرد اما وقتی باز زهراربانی در محله الهیه قدم می‌زنیم، طوری شرایط آن روزهای محله را تعریف می‌کند که انگار هنوز پیش روی اوست. او و خانواده‌اش در سال ۱۳۹۰ هیچ تصمیمی برای ترک محله فاطمیه و آمدن به الهیه نداشتند اما چرخ روزگار برای آن‌ها این طور چرخید. او در روزگاری در این محله سکونت یافت که معابر خاکی بود و ساختمان‌های اندکی ساخته شده بود؛ به دلیل همین قدیمی بودن اوست که در محله اکثرای رمی شناسند و با و سلام و علیک دارند.

ایستگاه دوم

در این راسته چند درخت بود و کلی بیابان. کسی به این درختان رسیدگی نمی‌کرد. با همسایه‌ها و همسر تصمیم گرفتیم همین چند درخت را آبیاری کنیم که حداقل همان آبادی برای ما بماند. چندتا از آن درختان مانده است و چندتایی خشک شد.



ایستگاه سوم



ساختمان «ستاره» در اقدسیه ۳ برای ما خاطرات خوشی داشت؛ اصلاً کار خدا بود که ما از این ساختمان سرور آوردیم، چون اصلاً برنامه ماسکونت در این محل نبود. سه چهار سال قبل، این آپارتمان را برای زندگی به پسرمان دادیم و رفتیم اول امیریه.

ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

زمینی که الان بخشی از آن پارک و بخشی خیابان و قسمتی هم مدرسه شده است، زمین بایر بود. یادم است شب‌ها در تاریکی از اینجا که رد می‌شدیم، مدام پای مادر خانه موش‌ها فرو می‌رفت. در روز که آن موش‌ها را می‌دیدیم، وحشت می‌کردیم، از بس درشت بودند.

ایستگاه ششم



فاطمه خانم رحیمی، اولین همسایه مادر زمان سکونت در محله الهیه بود. مغازه کوچک و باصفای ایشان از همان موقع فعال است و یک دهه قبل، عصای دست مردم بود. من همیشه خریدهای جزئی را از حاج خانم انجام می‌دادم.



جلو مسجد جواد الائمه (ع) محل اقامه نماز جماعت ما بود. یک موکت پهن می‌کردیم و روی آن نماز می‌خواندیم. فکر می‌کنم ساده‌ترین و صمیمی‌ترین محفل مذهبی و دینی‌ای که در عمرم در آن شرکت کرده‌ام، همین نمازهای جماعت محلی بوده است.



زمین ورزشی روباز برکت در تمام طول سال با حضور ورزشکاران فعال است

شور نونهالی در رقابت فوتبالی

این زمین استفاده می‌کند. مرتضی می‌گوید: نکات مثبت مجموعه این است که چمن نو خوبی دارد و اندازه زمین استاندارد است. یک درخواست هم دارم که دور پایه فنس ها و تیر دروازه ها بالایه های محافظ پوشیده شود؛ چون در زمان بازی و حرکت سریع، خطرناک است و ممکن است برای فوتبالیست ها حوادثی پیش بیاید.

● تلاش ورزشی در سرما و گرما

علاوه بر رقابت های گروهی و دوستانه در زمین ورزشی برکت، چند باشگاه فوتبال هم در مجموعه فعالیت دارند و مربیانی در کنار نونهالان و نوجوانان به آن ها آموزش فوتبال می‌دهند. رضایمویی یکی از این مربیان است. او شش ماهی می‌شود در این زمین حاضر می‌شود و با ۲۶ پسر فوتبال دوست تمرین می‌کند. آقارضا می‌گوید: فوتبال در مشهد پرطرفدار است و در نسل های جدید این علاقه تقویت می‌شود. به نظر همردوزمین فوتبال مجموعه برکت استاندارد است، هرچند باید امکانات جانبی مثل رختکن و سرویس بهداشتی اضافه شود.

سیدایمان نغندری هم از دیگر مربیان است که در این زمین نونهالان و نوجوانان را تمرین می‌دهد. او می‌گوید: با آغاز ماه مهر اکثر مدارس فوتبال تعطیل می‌شوند و خانواده ها و بچه ها بر درس و مدرسه متمرکز می‌شوند ولی بچه هایی که علاقه مند هستند و استعداد دارند این مسیر را ادامه می‌دهند. چنین افرادی شانس موفقیت بیشتری در فوتبال دارند و می‌بینید که در سرما و گرما برای هدفشان تلاش می‌کنند.

استفاده گروهی ورزشکاران از این مجموعه و ورزشی، باشگاه های فوتبال هم در این زمین های ورزشی فعالیت دارند.

● پایه ها و تیرک به محافظ نیاز دارند

با وجود زمین ورزشی روباز در محله شهید رضوی، خوشحال ترین افراد، والدینی هستند که یک فضای ورزشی جدید را در دسترس فرزندان خود می‌بینند. ستاره فتاح نژاد که در هفته، سه شب فرزندش، بابک را به این مجموعه می‌آورد، می‌گوید: وجود فضاهای ورزشی به این شکل، آن هم نزدیک محل سکونت، یک نعمت است. هم فضای زمین و چمن آن خوب است و از مصدومیت بچه ها جلوگیری می‌کند و هم مربیان حرفه ای در اینجا با بچه ها کار می‌کنند.

مرتضی شایسته یکی از اهالی منطقه است که همراه دوستانش از

زهرآزنگنه در حالی که اولین سرمای پاییزی به تن شهر نشسته است، مانعی برای ورزش بچه های فوتبالیست محله شهید رضوی نبوده است. در چنین هوایی، فقط با ورزش و دنبال توپ دویدن، می‌توانی در یک فضای باز خودت را گرم نگه داری؛ کاری که نونهالان و نوجوانان علاقه مند به فوتبال در زمین ورزشی روباز برکت انجام می‌دهند.

زمین چمن مصنوعی بوستان برکت در ایام سرما و گرما پذیرای حضور علاقه مندان به فوتبال است و این حضور، شور و هیجان خاصی به فضای ورزشی محله داده است.

● قابل استفاده در طول شبانه روز

زمین ورزشی روباز برکت را پاییز دو سال قبل، شهرداری منطقه ۱۱ در حاشیه بوستان برکت احداث کرد. این مجموعه دو زمین چمن مصنوعی را در خود جای داده که به اهالی فوتبال اختصاص داده شده است. مجموع مساحت زمین ها بیش از ۳ هزار متر مربع است و به لحاظ کیفیت چمن مصنوعی دورنگ جزو بهترین فضاهای ورزشی روباز منطقه است. در حاشیه این زمین های ورزشی، فضای مختصری به سکوی تماشاگر اختصاص داده شده است.

دو رتاد و زمین ورزشی روباز برکت فنس کشی شده و به واسطه سیستم روشنایی مطلوبی که دارد در تمام طول شبانه روز قابل استفاده است. علاوه بر رزرو زمان و



نوجوان ورزشکار محله مجیدیه در شش ماه اخیر، ۲ مقام اولی استانی را به نام خود ثبت کرده است

دو، میدان رهایی و قهرمانی

امید محله

● که اول شدم، تا چند متر بعدتر دویدم و حس خوبی را تجربه کردم.

● خودت کدام ماده دورا دوست داری و چرا؟

من دو ۴۰۰ متر را بیشتر دوست دارم؛ چون با تمرکز بیشتری می‌دوم.

● بیشترین نقش را در موفقیت تو پدیرت داشته است؟

بله، هم پدرم و هم مربی ام، آقای مصطفی ابراهیمی که خودش مقام دار دوومیدانی کشور است و برای بچه های علاقه مند زحمت می‌کشد.

● کوروش، دوست داری در چه جاهایی بدوی؟

رشته دو طوری است که با کمترین امکانات در هر فضایی می‌توان تمرین کرد. خودم دویدن در راه های جنگلی را خیلی دوست دارم؛ چون اکسیژن بیشتری وارد بدن می‌شود و انرژی بیشتری می‌گیرم.

● امکانات محله تان برای رشته دو کافی است؟

اکثر فضاهای ورزشی شهر برای فوتبال ساخته می‌شود، ولی ظاهرا در پروژه ورزشی الهیه، پیست دو هم تعریف شده است که برای من و بچه هایی که دو دوست دارند، خیلی خوب می‌شود.

● هدف ت در درس و ورزش برای آینده چیست؟

من دانشم ورزشکاران کشور را تا حالا در دوومیدانی در جهان به رتبه های بالاتر رسیده اند. من دوست دارم آن قدر تلاش کنم که اولین نفر باشم که به این موفقیت می‌رسد. در درس و کار هم فعلا رشته مورد علاقه ام دندان پزشکی است تا ببینم در آینده چه خواهد شد.

● روزی چند ساعت می‌دوی؟

یک روز در میان، دو ساعت تمرین می‌کنم که در این زمان حداقل دو کیلومتر در باشگاه می‌دوم.

● غیر از دو چه تمریناتی انجام می‌دهی؟

تمرینات استقامتی و بدن سازی هم انجام می‌دهم.

● تا حالا چه موفقیت هایی کسب کرده ای؟

در مسابقات دوومیدانی استان، رتبه اول ماده ۴۰۰ متر را به دست آوردم و در مسابقات استعدادیابی دوومیدانی استان هم در ماده ۶۰۰ متر اول شدم.

● از حس و حالت بعد از قهرمانی بگو.

بعد از مسابقه ۴۰۰ متر، از خط پایان که گذشتم، از خستگی همان جا افتادم و فرصت شادی نداشتم. اما در ۶۰۰ متر

زهرآزنگنه دو سال زمان برای کوروش کافی بود تا استعداد و توانایی خود را در رشته دوومیدانی نشان دهد. او که فقط ۱۰ سال دارد، در دو سال گذشته، روی پاهایش بند نبوده است. یک سربه دویده و تمرین کرده تا بتواند به موفقیت ورزشی برسد.

کوروش قدرتی، نوجوان محله مجیدیه، راه ورزشی پدرش را که از کارمندان شهرداری است، در پیش گرفته است. ورزش دو، بخش جدایی ناپذیر زندگی او شده است و می‌خواهد در این رشته جزو اولین ها باشد.

● اول به ما بگو دویدن چه حسی به تو می‌دهد؟

شاید در لحظات و روزهای تمرین هنگام دویدن به ثانیه ها و رکوردها فکر کنم، اما در زمان مسابقه اصلا به چیزی فکر نمی‌کنم و فقط می‌دوم؛ ذهن و فکر و مغزم در پاهایم است. اما در مجموع دویدن حس رهایی به من می‌دهد؛ چون در آن لحظات به چیزی جز ورزش فکر نمی‌کنم.

● همین حس خوب باعث شد به سمت دوومیدانی بروی؟

اولش نه. من در شروع به توصیه پدرم و به خاطر اینکه او هم می‌دوید، این رشته را امتحان کردم اما در ادامه، خودم به ورزش علاقه مند شدم و هر چه رکوردهای بهتری ثبت می‌کردم، علاقه ام بیشتر می‌شد.





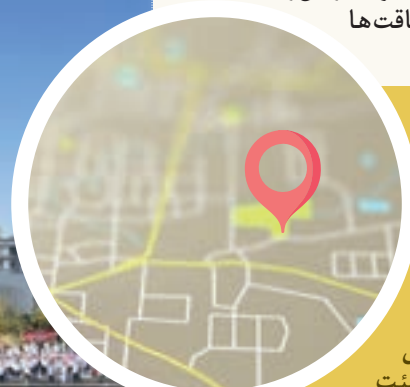
برای پیوستن به کانال شهرآرامحله منطقه ۱۱ و ۱۲ در واتساپ کلیک کنید



نیمی از جمعیت ورزشکاران را بانوان تشکیل می‌دهند که اکثراً بالباس‌های یکدست در برنامه حاضر شده‌اند. فاطمه معصومی نژاد که یکی از بانوان ورزشکار است، می‌گوید: این برنامه‌ها هم خوب است و هم برای ترویج ورزش همگانی مفید است. فقط نکته‌ای که امروز نظر من را جلب کرد، حضور کم تعداد جوانان بود. امیدوارم این موضوع در گذر زمان در جامعه اصلاح شود.



خیلی از ورزشکاران با دوستان و هم‌گروهی‌هایشان آمده‌اند، مانند علی صیادی. این شهروند می‌گوید: رفاقت و ورزش ترکیب بسیار خوبی است و در این برنامه‌ها به این ترکیب فکر می‌کنم. آدم برای ورزش غیر از یک جفت کفش و یک دست لباس اگر یک رفیق و همپا داشته باشد، کافی است. در این فضاها رفاقت‌ها سالم و مفید است.



ورزش به علاوه رفاقت

بهشتی‌ای برای دومین هفته متوالی، اهالی ورزشکار از بوستان‌ها و پارک‌های شهر، خود را به بوستان برکت می‌رسانند تا در یک روز پایان هفته، ورزش همگانی را در کنار جمعیتی پر شمار تجربه کنند. این برنامه به همت هیئت ورزش‌های همگانی تدارک دیده شده است. در این دوره‌های ورزشی، بیش از ۳ هزار ورزشکار آقا و خانم حاضر شده‌اند تا در برنامه «صبح و نشاط» همراه دوستان و رفقای خود، به سمت سلامتی گام بردارند.



با اینکه اکثر جمعیت ورزشکاران را افراد میان سال یا مسن تشکیل می‌دهند، دل‌های آن‌ها بسیار جوان است و این موضوع را در طول برنامه به ویژه در زمان پخش سرودهای انرژی بخش یا آهنگ‌های ملی نشان می‌دهند و با موسیقی به خوبی همراهی می‌کنند.



محمد حسن یعقوب نژاد از افراد با سابقه ورزش همگانی مشهد است و امروز هم پای کار بوده تا این برنامه شکل بگیرد. یعقوب نژاد می‌گوید: محوطه بوستان برکت، به ویژه فضای اطراف آب نما خیلی برای ورزش‌های گروهی پرجمعیت ایده‌آل است. برنامه امروز خیلی خوب بود و ما را با این فضا آشنا کرد. به نظرم بعد از پارک ملت، این بوستان می‌تواند شعبه دوم ورزش همگانی منطقه ۱۱ و حتی شهر باشد.